

دعای ۴۹- تضرع کردن برای درخواست عفو



اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَعِيثُ الْمُذْنِبُونَ،

خداوندا! ای آنکه گناهکاران جز به رحمت تو پناه نبرند و جز از تو فریادرس نخواهند،

وَيَا مَنْ إِلَى ذِكْرِ إِحْسَانِهِ يَفْرَعُ الْمُضْطَرُّونَ،

وای آنکه درماندگان جز به یاد احسان و نیکوکاری تو پناه نبرند،

وَيَا مَنْ لِيَخِيفَتَهُ يَنْتَحِبُ الْخَاطِئُونَ،

وای آنکه خطاکاران در برابر هیبتش زار می‌گریند و مویه‌کنانند،

يَا أَنْسَ كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ غَرِيبٍ،

ای مونس هر غریب و وحشت زده،

وَيَا فَرَجَ كُلِّ مَكْرُوبٍ كَيْبٍ،

وای گشایش دهنده امور هر غمگین رنجور،

وَيَا عَوْتَ كُلِّ مَخْذُولٍ فَرِيدٍ،

وای یاری دهنده هر تنهای رها شده،

وَيَا عَضْدَ كُلِّ مُحْتَاجٍ طَرِيدٍ.

وای پشت و پناه هر نیازمندی رانده شده و آواره.



أَنْتَ الَّذِي وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا،

توان کسی هستی که رحمت و علمت بر هر چیزی احاطه کرده است.

وَأَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ مَخْلُوقٍ فِي نِعْمِكَ سَهْمًا،

توان کسی هستی که برای هر مخلوقی، سهمی از نعمت‌های خود قرار داده‌ای.

وَأَنْتَ الَّذِي عَفَوَهُ أَعْلَىٰ مِنْ عِقَابِهِ،

توان کسی هستی که عفو، از عقوبت و کیفیت بسیار برتر و والاتر است.

وَأَنْتَ الَّذِي تَسَعَىٰ رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ،

توان کسی هستی که رحمت، بر غضب و خشم تو پیشی می‌گیرد.

وَأَنْتَ الَّذِي عَطَاؤُهُ أَكْثَرُ مِنْ مَنَعِهِ،

توان کسی هستی که بخشش و عطای تو از دریغ کردن و منع تو، بی‌شمارتر است.

وَأَنْتَ الَّذِي اتَّسَعَ الْخَلَائِقُ كُلُّهُمْ فِي وَسْعِهِ،

توان کسی هستی که وسعت فضل و کرمات تمام مخلوقات را کفایت کرده و دربر گرفته است.

وَأَنْتَ الَّذِي لَا يَرْغَبُ فِي جَزَاءٍ مَنْ أَعْطَاهُ،

تو آن کسی هستی که در مقابل عطایایت، چشم‌داشتی به پاداش و جبران از سوی بندگان نداری.

وَأَنْتَ الَّذِي لَا يُفْرِطُ فِي عِقَابٍ مَنْ عَصَاهُ.

تو آن کسی هستی که در عقوبت و کیفر کسانی که نافرمانی‌ات کرده‌اند، اسراف و ستم نمی‌کنی.

وَأَنَا يَا إِلَهِي عَبْدُكَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالذُّعَاءِ، فَقَالَ:
لَسْبِكَ وَسَعْدَيْكَ

و من ای محبوبیم همان بنده تو هستم که به او فرمان دادی تا دعا کند. و من از سر تسلیم گفتم: گوش به فرمان و در خدمت توام.

هَا أَنَا ذَا يَا رَبِّ مَطْرُوحٌ بَيْنَ يَدَيْكَ،

و اینک ای پروردگارم، این منم که افتاده و درمانده، پیش روی تو ایستاده‌ام.

أَنَا الَّذِي أَوْقَرْتِ الْخَطَايَا ظَهْرَهُ،

من کسی هستم که زینبار گناهان کمرخم کرده‌ام

وَأَنَا الَّذِي أَفْنَتِ الذُّنُوبُ عُمُرَهُ،

من کسی هستم که گناهان، تمامی عمرم را به تباهی کشاندند.

وَأَنَا الَّذِي بِجَهْلِهِ عَصَاكَ،

من کسی هستم که به سبب جهل و نادانی خویش، تورا
نافرمانی کردم،

وَلَمْ تَكُنْ أَهْلًا مِنْهُ لِذَلِكَ.

در حالی که تو هرگز شایسته چنین ناسپاسی و نافرمانی از سوی
من نبودی.

هَلْ أَنْتَ يَا إِلَهِي رَاحِمٌ مَنْ دَعَاكَ فَأُبْلِغَ فِي الدُّعَاءِ؟

محبوب من! آیا به کسی که تورا بخواند و در دعا اصرار ورزد،
رحم می‌کنی؟ تا من نیز در دعا کردن کوشا باشم؟

أَمْ أَنْتَ غَافِرٌ لِمَنْ بَكَكَ فَاسْرِعَ فِي الْبُكَاءِ؟

یا کسی را که در پیشگاهت گریه کند، می‌آمیزی؟ تا من
نیز در گریه شتاب کنم و اشک بریزم؟

أَمْ أَنْتَ مُتَجَاوِزٌ عَمَّنْ عَقَرَ لَكَ وَجْهَهُ تَذَلُّلاً؟

یا از آن کس که با نهایت خاکساری و تذلل، چهره بر خاک
تو نهد، درمی‌گذری؟

أَمْ أَنْتَ مُعِنٌ مَنْ شَكَا إِلَيْكَ فَقَرَهُ تَوَكُّلاً؟

یا تویی که هر کس با توکل کامل، از روی فقر و نیاز خود به تو
شکایت کند، او را بی‌نیاز می‌سازی؟

إِلٰهِي لَا تُخَيِّبْ مَنْ لَا يَجِدُ مُعْطِيًا غَيْرَكَ،

محبوب من! کسی را که بخشنده‌ای جز تو نمی‌یابد، محروم
مگردان.

وَلَا تَخْذُلْ مَنْ لَا يَسْتَعْنِي عَنْكَ بِأَحَدٍ دُونَكَ،

و به ذلت مکشان آن کس را که تو را تنها راه بی‌نیازی
می‌داند.

إِلٰهِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

محبوب من! بر محمد و خاندانش درود فرست

وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي وَقَدْ أَقْبَلْتُ عَلَيْكَ،

واکنون که من به تو روی آورده‌ام، از من روی برنگردان

وَلَا تَحْرِمْنِي وَقَدْ رَغَبْتُ إِلَيْكَ،

واکنون که با اشتیاق روبه سویت کرده‌ام، محروم مکن،

وَلَا تَجْبِهْنِي بِالرَّدِّ وَقَدْ انْتَصَبْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ،

واکنون که در برابرت ایستاده‌ام، مرا با جواب رد مواجه
مساز.

أَنْتَ الَّذِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ، فَصَلِّ عَلَيَّ

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِي،

تو همانی که خود را به صفت رحمت توصیف کرده‌ای؛ پس
بر محمد و خاندانش درود فرست و بر من رحم کن.

وَأَنْتَ الَّذِي سَمَّيْتَ نَفْسَكَ بِالْعَفْوِ فَأَعْفُ عَنِّي.

و تو همانی که خود را خطابخش نام نهاده‌ای؛ پس از من درگذر.

قَدْ تَرَى يَا إِلَهِي فَيْضَ دَمْعِي مِنْ خِيفَتِكَ، وَوَجِيبَ

قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَأَنْتَ فَاضَ جَوَارِحِي مِنْ هَيْبَتِكَ،

محبوب من! تو جریان اشک‌هایم را از ترس خود، و تپش قلبم را از خشیت و هراس خود، و لرزش اعضایم را از هیبت و شکوه خود، می‌بینی.

كُلُّ ذَلِكَ حَيَاءٌ^۲ مِنِّي بِسُوءِ عَمَلِي،

همه این‌ها به سبب شرمندگی من از کردار بدم است.

وَلِذَلِكَ^۳ خَمَدَ صَوْتِي عَنِ الْجَارِ إِلَيْكَ، وَكَلَّ لِسَانِي عَنْ

مُنَاجَاتِكَ،

به همین دلیل، صدایم در ناله کردن به درگاهت خاموش شده، و زبانم از مناجات با تو در مانده گشته است.

يَا إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ، فَكَمُ مِنْ عَائِبَةٍ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ

فَلَمْ تَفْضَحْنِي،

محبوب من! همه ستایش‌ها تنها از آن تو ست. چه بسیار عیب‌های شرم‌آوری که بر من پوشاندی و رسوایم نساختی،

وَكَمُ مِنْ ذَنْبٍ عَظِيمَتُهُ عَلَيَّ فَلَمْ تَشْهَرْنِي،

و چه بسیار گناهانم که آنها را پوشاندی و شهره‌ام نکردی،

وَكَمْ مِنْ شَائِبَةٍ آتَتْ بِهَا فَلَمْ تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَهَا،
و چه بسیار لغزش‌هایی که مرتکب شدم، اما پرده آن را
ندیدید،

وَلَمْ تُقَلِّدْنِي مَكْرُوهَ شِنَارِهَا
و ننگ بدنامی‌اش را برگردنم نیفکندی،

وَلَمْ تُبَدِّ سَوَاءَاتِهَا لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَايِي مِنْ جِيرَتِي
و زشتی‌هایش را بر همسایگانی که به دنبال عیوب من می‌گردند
و بر حسودانِ نعمت‌هایت بر من، آشکار نساختی.

وَحَسَدَةَ نِعْمَتِكَ عِنْدِي،
و زشتی‌هایش را بر همسایگانی که به دنبال عیوب من می‌گردند
و بر حسودانِ نعمت‌هایت بر من، آشکار نساختی.

ثُمَّ لَمْ يَنْهَنِي ذَلِكَ عَنْ أَنْ جَرَيْتُ إِلَى سُوءِ مَا عَاهَدْتِ
مِنِّي.

سپس این همه الطاف و عنایات نسبت به من، مرا از گرایش
به بدی‌هایی که از من سراغ‌داری باز نداشت.

فَمَنْ أَجْهَلُ مِنِّي يَا إِلَهِي بِرُشْدِهِ،
محبوب من! نادان‌تر از من به صلاح کار خود کیست؟

وَمَنْ أَغْفَلُ مِنِّي عَنْ حَظِّهِ،
و غافل‌تر از من نسبت به بهره و نصیب خویش (از رحمت تو)
کیست؟

وَمَنْ أْبَعْدُ مِنِّي مِنْ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ حِينَ أَنْفُقُ
مَا أَجْرَيْتَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ فِيمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ
مَعْصِيَتِكَ،

و دورتر از من به اصلاح نفس خود کیست؟ در آن هنگام که
روزی عطا شده از جانب تو را صرف ارتکاب همان معصیتی می‌کنم
که مرا از آن نهی کرده‌ای!

وَمَنْ أْبَعْدُ غَوْرًا فِي الْبَاطِلِ، وَأَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى السُّوءِ
مِنِّي حِينَ أَقِفُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَدَعْوَةِ الشَّيْطَانِ،

و چه کسی بیش از من در غرقاب باطل فرورفته، و در ارتکاب بدی،
جسورتر از من است؟ در آن هنگام که میان دعوت تو و دعوت
شیطان قرار می‌گیرم،

فَأَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ عَلَى غَيْرِ عَمَىٰ مِنِّي فِي مَعْرِفَةِ بِهِ وَلَا
نِسْيَانٍ مِنْ حِفْظِي لَهُ!؟

ولی از دعوت او پیروی می‌کنم با این که او را به صورتی که
باید می‌شناسم و نسبت به وضع او فراموشی ندارم.

وَأَنَا حِينِيذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ مُنْتَهَىٰ دَعْوَتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ،
وَمُنْتَهَىٰ دَعْوَتِهِ إِلَى النَّارِ،

و من در آن لحظه (که دعوت شیطان را می‌پذیرم)، یقین دارم که
دعوت توبه بهشت و دعوت شیطان به آتش ختم می‌شود.

سُبْحَانَكَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَى نَفْسِي، وَأَعْدَدُهُ
مِنْ مَكْتُومِ أَمْرِي،

منزهی تو، چقدر عجیب است که علیه خود شهادت می‌دهم، و
رازهای پنهان کار خویش را برمی‌شمارم.

وَأَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنَّكَ عَنِّي، وَإِبْطَاؤُكَ عَنِ مُعَاجَلَتِي
وَشِغْفُ تَرَازَانِ، مَهْلَتِ دَادِنِ وَبِرْدِبَارِي تَوَسْتِ نَسْبَتِ بِي مِنْ، وَ
دِرَنُغِ نَمُودِنْتِ دَرِ مَجَازَاتِ مِنْ!

وَلَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ، بَلْ تَأْنِيًا مِنْكَ لِي،
وَتَفَضُّلاً مِنْكَ عَلَيَّ

این تأخیر، نه از ارزش و کرامت من نزد تو، بلکه از باب حلم و
مدارای تو با من و فضل بی‌دریغ تو بر من است؛

لِأَنَّ أَرْتِدِعَ عَنِ مَعْصِيَتِكَ الْمُسْخِطَةَ وَأُقْلِعَ عَنِ
سَيِّئَاتِي الْمُخْلِقَةَ

تا شاید از آن نافرمانی خشم‌آورد دست‌کشم و از گناهان
هلاکت‌بار خویش بازگردم؛

وَلِأَنَّ عَفْوَكَ عَنِّي أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ عُقُوبَتِي.

و به این دلیل که بخشیدن من، برای تو دوست‌داشتنی‌تر از این
است که مرا کیفر دهی.

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي أَكْثَرُ ذُنُوبًا، وَأَقْبَحُ آثَارًا، وَأَشْنَعُ أَفْعَالًا،

وگرنه ای محبوبم، گناهان من بیشتر، آثار اعمالم زشت‌تر، و کارهایم ناپسندتر،

وَأَشَدُّ فِي الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا، وَأَضْعَفُ عِنْدَ طَاعَتِكَ تَيْقُظًا،

ورودم به امور باطل جسورانه‌تر، در هنگام اطاعت تو غافل‌تر

وَأَقْلُّ لِعُيُوبِي لَوْعِيدِكَ انْتِبَاهًا وَارْتِقَابًا، مِنْ أَنْ أُحْصِيَ لَكَ

عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَى ذِكْرِ ذُنُوبِي،

و هشجاری و مراقبتم در برابر تهدیدت، ناچیزتر از آن است که بتوانم عیب‌هایم را برایت برشمارم، یا توانایی ذکر تک‌تک گناهانم را داشته باشم.

وَإِنَّمَا أُوبِخُ بِهَذَا نَفْسِي طَمَعًا فِي رَأْفَتِكَ الَّتِي بِهَا

صَلَّحْتُ أَمْرَ الْمُذْنِبِينَ وَرَجَاءً لِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا

فَكَأَنَّكَ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ.

و من تنها از این جهت نفس خود را ملامت می‌کنم که به مهر و رأفت تو امید بسته‌ام، که صلاح کار گناهکاران در گرو آن است؛ و امید دارم به رحمتت، که آزادی جان خطاکاران به واسطه آن ممکن می‌شود.

اللَّهُمَّ وَهَذِهِ رَقَبَتِي قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ، فَصَلِّ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعْتِقْهَا بِعَفْوِكَ،

خداوندا! این جان من است که گناهان آن را به بند
کشیده‌اند؛ پس بر محمد و خاندانش درود فرست و آن را با
عفو خویش آزاد کن.

وَهَذَا ظَهْرِي قَدْ أَثْقَلْتُهُ الْخَطَايَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ، وَخَفِّفْ عَنْهُ بِمَنِّكَ.

و این پشت من است که بار خطاها آن را سنگین کرده است؛
پس بر محمد و خاندانش درود فرست و به منت و کرم خود، این
سنگینی را از دوشم بردار.

يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنَيَّ،
محبوب من، اگر در پیشگاه تو آنقدر بگریم که مژگان چشمانم
فروریزد،

وَأَنْتَ حَبْتُ حَتَّى يَنْقَطِعَ صَوْتِي،

و چنان ناله و زاری کنم که صدایم قطع شود،

وَقُمْتُ لَكَ حَتَّى تَتَنَشَّرَ قَدَمَايَ،

و آنقدر برایت به قیام و عبادت بایستم که پاهایم ورم کند،

وَرَكَعْتُ لَكَ حَتَّى يَنْخَلِعَ صُلْبِي،

و آنقدر رکوع به جای آورم که کمرم از جا درآید،

وَسَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَتَفَقَّأَ حَدَقَتَايَ،

وچندان به سجده روم که چشمانم از حدقه خارج شود،

وَأَكَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طُولَ عُمْرِي،

وتمام عمرم را خاک زمین بخورم،

وَشَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِي،

و تا پایان روزگارم، آب آلوده به خاکستر بنوشم،

وَذَكَرْتُكَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكِلَ لِسَانِي،

و در تمام این حالات، آنقدر ذکر تو را گویم که زبانم از کار بیفتد،

ثُمَّ لَمْ أَرْفَعْ طَرْفِي إِلَى أَفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِحْيَاءً مِنْكَ،

و با این همه، از شرمساری تو، حتی لحظه‌ای به آسمان چشم ندوزم؛

مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَةً مِنْ سَيِّئَاتِي.

با تمام این اعمال، باز هم سزاوار آن نیستم که حتی یک گناه از گناهانم بخشیده شود.

وَإِنْ كُنْتَ تَغْفِرُ لِي حِينَ اسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ، وَتَعْفُو

عَنِّي حِينَ اسْتَحِقُّ عَفْوَكَ

و اگر هم آن هنگام که سزاوار مغفرت تومی شوم، مرا ببخشی،
و آن زمان که مستحق عفو تومی گردم؛ از من درگذری،

فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ لِي بِاسْتِحْقَاقِي، وَلَا أَنَا أَهْلٌ
لَهُ بِاسْتِيجَابٍ،

قطعاً این آمرزش و عفو بر اساس استحقاق من نیست، و من مستحق
و جوب آمرزش و عفو نیستم.

إِذْ كَانَ جَزَائِي مِنْكَ فِي أَوَّلِ مَا عَصَيْتُكَ النَّارَ،
زیرا سزای من، همان لحظه اول که تو را نافرمانی کردم، آتش
دوزخ بود.

فَإِنَّ تُعَذِّبَنِي فَأَنْتَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِي.
پس اگر عذابم کنی، ذره‌ای ظلم نکرده‌ای.

إِلَهِي فَإِذَا قَدْ تَعَمَّدَتْنِي بِسِرِّكَ فَلَمْ تَفْضَحْنِي،
محبوب من! حال که مرا زیر پوشش خود گرفتی و رسوایم نساختی،

وَتَأَنِّتَنِي بِكَرَمِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِي،
و با کرم خویش به من مهلت دادی و در مجازاتم شتاب نکردی،

وَحَلُمْتَ عَنِّي بِتَفْضُلِكَ فَلَمْ تُغَيِّرْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ،
و با فضل خود، بردبارانه از من چشم پوشیدی و نعمتت را بر من
تغییر ندادی،

وَلَمْ تُكَدِّرْ مَعْرُوفَكَ عِنْدِي،
و احسانت را در نزد من مکدر نساختی؛

فَارْحَمْ طُولَ تَضْرُعِي، وَشِدَّةَ مَسْكَنتِي، وَسُوءَ مَوْقِفِي.
پس، بر تضرع و زاری طولانی من، و بر نهایت بیچارگی و مسکنتم،
و بر بدی جایگاه و وضع کنونی ام، رحم کن!

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقِنِي مِنَ الْمَعَاصِي،
وَاسْتَعْمِلْنِي بِالطَّاعَةِ،

خداوندا، بر محمد و خاندانش درود فرست، و مرا از گناهان حفظ
کن، و در راه طاعت و بندگی خود به کار گیر،

وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْإِنَابَةِ، وَطَهِّرْنِي بِالتَّوْبَةِ، وَأَيِّدْنِي
بِالعِصْمَةِ،

و بازگشتی نیکو (به سوی خود) روزی ام گردان، و با توبه، پاکیزه ام
ساز، و با حفظ از گناه، یاری ام کن،

وَاسْتَصْلِحْنِي بِالْعَافِيَةِ، وَادْقِنِي حَلَاوَةَ الْمَغْفِرَةِ،
و با عافیت و سلامتی، مرا اصلاح فرما و شیرینی مغفرت و آمرزش
را به من بچشان،

وَاجْعَلْنِي طَلِيقَ عَفْوِكَ وَعَتِيقَ رَحْمَتِكَ،
و مرا آزادشده‌ی عفو خویش و رهاشده‌ی رحمتت قرار ده،

وَاجْعَلْ لِي أَمَانًا مِنْ سَخَطِكَ،
و برابم امان نامه‌ای از خشم و غضب خود بنویس،

وَبَشِّرْنِي بِذَلِكَ فِي الْعَاجِلِ دُونَ الْآجِلِ بُشْرَى أَعْرِفُهَا،
وَعَرَفْنِي فِيهِ عِلْمَةً أَتَبَيَّنُهَا،

و در همین دنیا، پیش از آخرت، مرا بشارتی ده که آن را به خوبی
بشناسم و علامتی در آن برایم قرارده که آن را به وضوح دریابم.

إِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وَسْعِكَ، وَلَا يَتَكَادُكَ
فِي قُدْرَتِكَ،

یقیناً، این درخواست‌ها در گستره وجود و فضلت بر تو دشوار
نیست، و تو را در میدان قدرتت به سختی نمی‌اندازد،

وَلَا يَتَّصَعَّدُكَ فِي أَنْاتِكَ،

و در حلم و بردباری‌ات، بر تو گران نمی‌آید

وَلَا يُوُّودُكَ فِي جَزِيلِ هِبَاتِكَ الَّتِي دَلَّتْ عَلَيْهَا آيَاتُكَ.

و در برابر عطایای عظیم تو که آیاتت بر آن گواهی می‌دهند، باری
بردوش تو نیست.

إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيرٌ.

که تو قطعاً هر آنچه بخواهی انجام می‌دهی، و هر حکمی که اراده
کنی، صادر می‌نمایی. و به یقین تو بر هر کاری توانا و قادری.

۱. بِالْعَفْوِ

۲. حَيَاءً

۳. وَلِذَلِكَ

۴. عُمْرِي